

بررسی اثربخشی برنامه آموزش مهارتهای زندگی بر میزان آگاهی از این مهارتها در گروهی از دانش آموزان مقطع چهارم دبستانهای شهرستان سنندج (سال ۱۳۸۳)

دکتر مرضیه مقدم: استادیار گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی کردستان: نویسنده رابط

E-mail: drmmoghadam@yahoo.com

دکتر نرگس شمس علیزاده: روانپزشک، دارای بورس تخصصی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان
فاروق وفايي بانه: کارشناس بهداشت روان، معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی کردستان

دریافت: ۸۴/۴/۲۰، پذیرش: ۸۵/۱/۲۰

چکیده

زمینه و اهداف: برای اولین بار سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۹۳ برنامه مدونی تحت عنوان آموزش مهارتهای زندگی و در جهت پیشگیری اولیه و ارتقای بهداشت روان آماده نمود. در راستای اجرای این طرح برنامه آموزش مهارتهای زندگی در کشور های مختلف از جمله کشور ما برنامه ریزی شده و در دست اجرا می باشد. پژوهش حاضر جهت ارزیابی اجرای این برنامه در سطح شهرستان سنندج انجام شده است.

روش بررسی: این مطالعه از نوع تجربی بوده که: جامعه مورد مطالعه آن دانش آموزان مقطع چهارم دبستان های شهرستان سنندج بوده است. نمونه گیری به روش تصادفی و سیستماتیک انجام شده و حجم نمونه شامل ۱۶۷ نفر گروه مداخله و ۱۷۳ نفر گروه مقایسه میباشد. مطالعه در دو مرحله انجام شده است: در مرحله اول اعتبار محتوا و همزمان پرسشنامه تعیین شد که از حدمناسب برخوردار بوده همچنین پایایی آن نیز قابل قبول بوده است. در مرحله دوم میزان آگاهی دانش آموزان از مهارتهای زندگی از طریق توزیع پرسشنامه در دو گروه مقایسه و مداخله بررسی گردید.

یافته ها: بررسی نشان داد که سطح اطلاعات دانش آموزان از مهارتها در گروه مداخله بطور معنی داری نسبت به گروه مقایسه ارتقا یافته است ($p < 0/01$). این نتیجه در دختران و پسران متفاوت بوده است ($p < 0/01$). همچنین ارتباط مستقیم معنا داری بین وضعیت تحصیلی دانش آموزان با سطح آگاهی آنان از مهارتها بدست آمده است ($p < 0/01$).

نتیجه گیری: در مجموع نتایج بررسی ما علیرغم محدودیتهای تحقیق نشان دهنده اثربخشی برنامه کشوری آموزش مهارتها می باشد. گرچه در این بررسی آموزش در دختران موفق تر از پسران بوده است. لازم است که در دوره های بعدی اولاً توجه بیشتری به انعطاف در برنامه آموزشی در گروههای جنسی دختر و پسر شده و ثانیاً ارتقای کیفیت نحوه ارزیابی نیز مد نظر قرار گیرد.

کلید واژه ها: مهارتهای زندگی، پیشگیری اولیه، ارتقای بهداشت روان، دانش آموزمقطع چهارم ابتدایی، سطح آگاهی از مهارتهای زندگی

مقدمه

مستمر و فراگیر جهت آماده سازی آنان برای مقابله با مقتضیات و کشمکش های دوران بزرگسالی انجام نشده است. موسسه اصلاح آموزش معتقد است که مدارس ملزمند برنامه ای وسیع و متعادل جهت ارتقا و تقویت تواناییهای فیزیکی، روانی، فرهنگی، اخلاقی و معنوی دانش آموزان تدوین نموده و آنان را جهت فرصت ها مسئولیتها و تجربیات دوران بزرگسالی آماده نمایند (۱).

مهارتهای زندگی شامل توانایی در برقراری ارتباط، تصمیم گیری موثر، حل مسئله، تفکر نقادانه، تفکر خلاق، قاطعیت، مقابله با هیجانات شدید، همدلی، توانایی در خواست کمک و حمایت از دیگران و مقابله با استرس می باشد. (۱)

مجموع این مهارتها منجر به ارتقای خود کارآمدی میشود. ذکر این نکته لازم است که خود کار آمدی با پیشرفت تحصیلی و عملکرد های شناختی رابطه مثبت دارد. یک پژوهش در هند نشان

امروزه علیرغم ایجاد تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه های زندگی، بسیاری از افراد در رویارویی با مشکلات زندگی فاقد توانایی های لازم و اساسی هستند و همین امر آنان را در مواجهه با مشکلات و مقتضیات زندگی آسیب پذیر نموده است.

کودکان و نوجوانان بواسطه آنکه از نظر رشد و تکامل جسمی، روانی نسبت به سایر گروه های سنی جامعه از اهمیت ویژه ای برخوردارند و هم چنین نقش آنان در ایجاد جامعه سالم در آینده، از آسیب پذیر ترین گروه های جامعه بوده و بیش از سایر گروه های سنی هدف اصلی دشمنان سلامت می باشند.

از آنجا که قسمت عمده ای از زندگی کودکان در مدارس سپری می شود لذا مدارس نقش عظیمی در آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان بعهد دارند.

متأسفانه تاکنون آموزش و پرورش دانش آموزان در کشور ما محدود به ارائه اطلاعات و ارتقای سطح دانش آنان بوده و تلاشی

می دهد که احساس خود کار آمدی قوی با عملکرد های شناختی بالا رابطه دارد(۲).

در مطالعه زولینجر آموزش مهارت‌ها طی یک دوره ۳ ساله نقش بارزی در ارتقا اطلاعات، تواناییها و تغییر نگرش دانش آموزان در جهت کسب یک الگوی صحیح زندگی داشته است(۳).

در مطالعه دیگری Pentz ثابت کرده که آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث کاهش سوی مصرف مواد و رفتارهای وابسته به آن مانند خشونت، گوشه گیری، فرار از خانه و مدرسه و دزدی می شود(۴).

Gainer نقش آموزش مهارت‌ها را در کاهش رفتارهای پرخطر و خشونت در دانش آموزان ثابت کرده است(۵).

Botvin معتقد است که آموزش مهارت‌های زندگی به دانش آموزان از طریق ارتقای صلاحیت و کفایت فردی و اجتماعی نقش عمده ای در پیشگیری از سوی مصرف الکل خواهد داشت(۶).

در یک پژوهش داخلی که به منظور بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌ها جهت پیشگیری از مصرف مواد مخدر در دانش آموزان مقطع راهنمایی انجام شده، افزایش معنی دار سطح مهارت‌ها در دانش آموزان مشاهده شده است که این عامل میتواند به منزله یک عامل محافظت کننده سبب کاهش مصرف مواد مخدر در سالهای بعد شود. همچنین این آموزش ها موجب ارتقا سطح اطلاعات دانش آموزان در باره مواد مخدر و اثرات آن و تقویت نگرش منفی آنان نسبت به مواد مخدر شده است(۷).

همچنین در پژوهش دیگری آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله به طور معنی داری موجب ارتقا عزت نفس و کارکرد های هوشی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شده است(۸).

در کشور ما تا کنون دو گروه بانی اجرای این طرح بوده اند: دکتر بینا و همکاران(دماوند -۱۳۷۸) و سازمان بهزیستی.

برنامه بهداشت روان مدارس در ایران در سال ۱۳۷۸ توسط دکتر بینا و همکاران در منطقه دماوند بر روی ۲۸۰ نفر دانش آموز پسر و دختر مقاطع راهنمایی در دو سطح دانش آموزان و معلمان اجرا شد که مهمترین بخش آن آموزش مهارت‌های زندگی به دانش آموزان بود. پرسشنامه های قبل و بعد از مداخله، نشانگر افزایش آگاهی دانش آموزان و معلمان نسبت به مقوله بهداشت روان، تغییر نگرش آنها به مسئله بهداشت روان و بهبود نمرات سلامت روان بود. این فعالیتها با همکاری فعال آموزش و پرورش به نحو موفقیت آمیزی به تعدادی از مدارس تهران گسترش یافته است(۹). فعالیتهای ارزشمندی نیز به وسیله سازمان بهزیستی انجام شده است. این فعالیتها شامل تهیه کتب و متون آموزشی و برگزاری کارگاههای متعدد آموزش مهارت‌های زندگی با همکاری آموزش و پرورش بوده است(۹).

طرح کشوری آموزش مهارت‌های زندگی به دانش آموزان برای اولین بار با همکاری وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و آموزش و پرورش و تحت نظارت کمیته عالی سلامت مدارس ارائه شد.

در راستای اجرای این طرح اولین کارگاه آموزش معلمان(در سطح کلاس چهارم) در بهمن ماه ۱۳۸۲ در سنندج برگزار شد. جزئیات بیشتر در قسمت بعد توضیح داده خواهد شد. لازم به ذکر است که آموزش مهارت‌های زندگی یک آموزش فعال و مبتنی بر تجربه بوده و از طریق بحث و مناظره گروهی، ارائه مقاله، بازی، ایفای نقش و بارش فکری انجام می شود. از آنجا که اساسی ترین هدف و انگیزه جهت آموزش مهارت‌های زندگی ایجاد رفتار سالم و مفید اجتماعی است برای رسیدن به چنین ایده الی آموزش مهارت‌های زندگی با ید برای چندین سال (حداقل ۳ سال) ادامه داشته باشد.

اجرای برنامه بمدت ۳ ماه تنها تغییر در دانش و نگرش ایجاد می کند، تداوم آموزش بمدت یک سال تغییر در عملکرد تحصیلی و آمادگی رفتاری و بمدت طولانی تر منجر به رفتارهای سالم و مفید اجتماعی خواهد شد.

این پژوهش اولین بررسی در جهت ارزیابی اثربخشی این برنامه در کشور بوده همچنین فرصت مناسبی برای سنجش اثر قومیت و زبان بر آموزش مهارت‌های زندگی می باشد.

اهداف اختصاصی این تحقیق عمدتاً تعیین رویایی و پایایی پرسشنامه تهیه شده، مقایسه سطح آگاهی دانش آموزان در دو گروه مقایسه و مداخله و تاثیر جنسیت و وضعیت تحصیلی در سطح اطلاعات آنان میباشد.

مواد و روش ها

قبل از شروع مداخله یک کارگاه ۲۴ ساعته برای ۲۰ نفر از معلمان که توسط اداره آموزش و پرورش معرفی شده بودند برگزار شدو بدنبال آن معلمان آموزش دیده موظف شدند که هر هفته دو ساعت برای آموزش این مهارت‌ها اختصاص دهند. البته بدلیل بعضی محدودیتها (از جمله تداخل با امتحانات و عدم هماهنگی بین یخشی و ...) این آموزش ها سه ماه متوالی تداوم داشت. در مجموع طی ۳۰ ساعت سه مهارت تفکر خلاق، تفکر انتقادی و قاطعیت بطور هماهنگ در مدارس آموزش داده شد. کلاسهای دانش آموزان در مجموع ۲۵ تا ۳۰ نفره بوده است.

مطالعه از نوع تجربی و جامعه مورد مطالعه دانش آموزان مقطع چهارم دبستان های شهرستان سنندج بوده است. نمونه گیری به روش تصادفی و سیستماتیک انجام شده، باین ترتیب که ابتدا تعداد نمونه مورد نیاز از کل جامعه آماری انتخاب گردید. سپس فاصله نمونه گیری محاسبه شد ($K=10$) بین عدد ۱ تا ۱۰ عدد ۳ بطور تصادفی انتخاب شد. بعد از تهیه لیست دانش آموزان هر کلاس نفر اول شماره ۱ و نفرات بعدی به فاصله سه شماره از نفرات قبلی انتخاب شدند. حجم نمونه در ابتدا شامل ۱۸۰ نفر گروه مداخله ۱۸۰ نفر گروه مقایسه بود ولی بعد از شروع بررسی بدلیل جایجایی و غیبت دانش آموزان این میزان به ۱۷۳ نفر در گروه مداخله و ۱۶۷ نفر در گروه مقایسه تقلیل یافت. گروه مداخله از

یافته ها

در مجموع گروه مداخله و مقایسه بترتیب شامل ۱۷۳ و ۱۶۷ نفر میباشد که ۶۳/۶ درصد گروه مداخله و ۶۶/۵ درصد گروه مقایسه را پسران تشکیل میدهند.

جدول ۱: مقایسه میانگین نمره ارزیابی دو گروه مداخله و مقایسه به تفکیک جنسیت

P	گروه		جنسیت
	مداخله	مقایسه	
۰/۳۳	۱۰/۰۱	۹/۵۷	پسر
۰/۰۰	۱۲/۵۲	۸/۷۰	دختر

جدول ۲: مقایسه میانگین نمره ارزیابی پسران و دختران به تفکیک دو گروه مقایسه و مداخله

P	انحراف معیار	میانگین	جنسیت	گروه	
				مقایسه	مداخله
۰/۱۵	۳/۲۵۵	۹/۵۷	پسر	گروه مقایسه	۴/۳۸۱
				دختر	۳/۸۲۶
				کل	۳/۵۰۸
۰/۰۰	۴/۲۶۵	۱۲/۵۲	دختر	گروه مداخله	۱۰/۹۲
				کل	۳/۹۷۸
				پسر	۳/۳۸۲
۰/۰۱	۴/۷۱۰	۱۰/۷۲	دختر	جمع کل	۱۰/۱۱
				کل	۳/۹۱۷
				پسر	۳/۳۸۲

جدول ۳: مقایسه میانگین نمرات ارزیابی براساس وضعیت تحصیلی

وضعیت تحصیلی	میانگین نمره	تعداد	انحراف معیار
ضعیف	۷/۸۷	۴۶	۳/۱۱۰
متوسط	۹/۵۶	۷۲	۴/۰۳۳
خوب	۱۰/۱۴	۱۲۹	۳/۸۳۶
عالی	۱۱/۶۱	۹۲	۳/۶۸۸
کل	۱۰/۱۱	۳۳۹	۳/۹۲۰

$$F(3, 355) = 10.844, P < 0.01$$

ولی برای آنکه بدانیم اختلاف میانگین بین کدام وضعیت های تحصیلی معنی دار است مقایسه چند گانه ای انجام داده ایم (جداول ۱، ۲ و ۳). این اختلاف تنها بین وضعیت تحصیلی ضعیف با وضعیت تحصیلی خوب و عالی و وضعیت تحصیلی متوسط با عالی معنی دار می باشد ($p < 0.01$).

۳۸/۶٪ از دختران در مقایسه با ۳۶/۸٪ از پسران از وضعیت تحصیلی خوب و ۳۳/۱٪ از دختران در مقایسه با ۲۴/۷٪ از پسران از وضعیت تحصیلی عالی برخوردار می باشند، البته این رابطه معنی دار نمی باشد. همچنین ضریب همبستگی بین نمرات اکتسابی با وضعیت تحصیلی دانش آموزان ۰/۳۲ می باشد ($p < 0.005$).

مدارسی انتخاب شده که دانش آموزان آن توسط معلمان آموزش دیده در کارگاه تعلیم دیده اند.

گروه مقایسه از مدارس هم جوار با شرایط مشابه اقتصادی - فرهنگی منطقه انتخاب شده که آموزش مهارتها در آن مدارس اجرا نشده است. دختران و پسران بترتیب ۴۰٪ و ۶۰٪ نمونه راتشکیل میدهند.

در مطالعه دو مرحله انجام شده است بدین معناکه در تهیه پرسشنامه و تعیین روایی و پایایی آن جهت ارزیابی میزان آگاهی دانش آموزان از سه مهارت فوق پرسشنامه ای توسط روانپزشک مسئول طرح تهیه شد که شامل ده سوال باز میباشد. بدلیل اجتناب از القای پاسخ از سوال باز استفاده گردید. در هر سوال دانش آموز در یک موقعیت عینی قرار داده شده است مانند سوال زیر:

شما در یک کوچه ی خلوت در حال بازگشت از مدرسه به خانه هستید و یک بستنی خریده اید. یک بچه ی هم سن و سال خودتان جلوی شما را می گیرد و می گوید اگر بستنی را به او ندهید نمی گذارد شما بروید.

چکار می کنید؟

بسته به نوع پاسخ و میزان آگاهی دانش آموز از مهارت نمرات صفر، یک یا دو داده می شود.

در انتهای پرسشنامه از معلم دانش آموز خواسته شده که وضعیت تحصیلی دانش آموز را بر اساس معدل کلاسی (کمتر از ۱۲، ۱۲ تا ۱۴/۹۹، ۱۵ تا ۱۷/۹۹، ۱۸ بیابا) و در چهار گروه ضعیف، متوسط، خوب و عالی طبقه بندی کند.

جهت بررسی اعتبار محتوای آن، پرسشنامه توسط دو روانپزشک دیگر و یک روانشناس ارشد بالینی بررسی و مجددا بازنویسی شد. لازم به ذکر است که پرسشنامه توسط روانپزشکی جز روانپزشک مسئول طرح نمره دهی شده است.

جهت تعیین اعتبار همزمان، پرسشنامه توسط بیست دانش آموز که تحت آموزش قرار گرفته بوده اند پرشد و همزمان از معلمان این دانش آموزان که آنان نیز در کارگاه سه روزه تعلیم دیده بودند در خواست شد که به مهارتهای دانش آموزان مذکور نمره بدهند. ضریب همبستگی بین نمرات دانش آموزان و معلمان ۶۴٪ بدست آمد که همبستگی خوبی میباشد ($p < 0.01$).

همچنین ضریب همبستگی اسپیرمن بین نمرات سوالات فرد و زوج بعنوان دو نیمه آزمون ۵۴٪ با $p < 0.01$ بدست آمد که نشان دهنده پایایی قابل قبول پرسشنامه می باشد.

در خصوص بررسی میزان آگاهی دانش آموزان از مهارتهای زندگی بعد از انجام مداخله با استفاده از پرسشنامه مذکور پرسشنامه بین افرادگروه مداخله و مقایسه توزیع شد.

کلیه اطلاعات این پژوهش با استفاده از برنامه کامپیوتری SPSS-11 و روشهای مختلف آماری مانند آزمون تی زوج و آنالیز واریانس و ضریب همبستگی اسپیرمن مورد تحلیل قرار گرفته است.

بحث

Geff Goodwin معتقد است که بحث مهارت‌های زندگی غیر قابل انعطاف نیست و در شرایط مختلف تربیتی و خانوادگی و همچنین در دو جنس قابل تغییر می باشد. همچنین ارزیابی مهارت‌ها نیز باید با توجه به تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی جنسی انجام پذیرد (۱۰).

می توان نتیجه گرفت که لازم است نحوه آموزش مهارت‌ها و همچنین نحوه ارزیابی آنها با توجه به نوع جنسیت تغییر نماید.

Zollinger نیز به این نتیجه رسیده است. او معتقد است برنامه پیشگیری از مصرف سیگار در گروه های جنسی و نژادی مختلف باید متفاوت باشد و اصولاً اعمال یک برنامه مشترک برای تمام گروه‌ها صحیح نیست (۳). به نظر میرسد که این مورد تحقیقات بیشتری را در آینده می طلبد.

در این پژوهش بین سطح آگاهی دانش آموزان از مهارت‌های زندگی و وضعیت تحصیلی آنان همبستگی متوسط ولی معنی داری وجود دارد که البته در تفسیر و تعمیم این نتیجه باید احتیاط ورزید. در این پژوهش تنها روش بررسی سطح مهارت‌ها از طریق ارائه پرسش باز بوده است و مسلماً دانش آموزانی که از مهارت نوشتاری خوبی برخوردار بوده اند بهتر توانا هستند اند نظر خود را بیان کنند. بنظر میرسد سنجش سطح مهارت‌ها تنها از طریق جواب به سوالات باز راضی کننده نمی باشد و لازم است که در دوره های بعدی آموزش به جز پرسشنامه از روش ارزیابی دیگری (مانند نظرخواهی از معلمین و اولیا) نیز استفاده شود.

نتیجه گیری

در مجموع نتایج بررسی ما علیرغم ضعفها و محدودیتهای طرح موید اثر بخشی برنامه کشوری آموزش مهارت‌ها بوده و امید داریم که با برطرف شدن محدودیتهای در دوره های بعدی آموزش به نتایج بهتری دست یابیم. از محدودیتهای این تحقیق ضعف در هماهنگی بین بخشی (وزارت آموزش و پرورش و بهداشت و درمان) و عدم ارتباط موثر با والدین دانش آموزان می باشد. برطرف کردن این محدودیت ها در دوره های بعدی نقش عمده ای در تسهیل و تسریع روند آموزش خواهد داشت.

لازم است که در دوره های بعدی اولاً توجه بیشتری به انعطاف در برنامه آموزشی در گروههای جنسی دختر و پسر شده و ثانیاً ارتقای کیفیت نحوه ارزیابی نیز مد نظر قرار گیرد.

در انتها از مشارکت جناب آقای دکتر آزاد معروفی، روانپزشک و آقای علیرضا نوری، روانشناس که در امر بررسی اعتبار محتوای پرسشنامه ما را یاری داده اند و همچنین همکاری صادقانه معلمین گرامی کمال تشکر را داریم.

بشر از دیر باز میدانسته که اگر بخواهد با مشکلات و مقتضیات زندگی بطور صحیح مقابله کند نیازمند تسلط بر علوم و مهارتهایی فراتر از مهارت‌های متداول و علوم جاری میباشد. بهترین مصداق این امر گفته های مولانا در حکایت ماجرای بحری و کشتیان می باشد. در این حکایت یک نحوی کشتیان را به خاطر آنکه از علم نحو اطلاعی نداشت شماتت می کند در حالیکه هنگام طوفان و خطر غرق شدن کشتی به علت آنکه خود شنا نمی دانسته با خطر مرگ روبرو می شود. برای اولین بار سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۹۳ برنامه مدونی تحت عنوان آموزش مهارت‌های زندگی و در جهت پیشگیری اولیه و ارتقای بهداشت روان آماده نمود (۲). در راستای این طرح برنامه آموزش مهارت‌های زندگی در کشور های مختلف از جمله کشور ما برنامه ریزی شده و در دست اجرا می باشد. پژوهش حاضر که جهت ارزیابی اجرای این برنامه در سطح شهرستان سنندج انجام شده موید اثربخشی ای برنامه می باشد. البته با توجه باینکه مدت آموزش مهارت‌ها به دانش آموزان بعثت بعضی محدودیتها تنها سه ماه به طول انجامید برای ارزیابی برنامه نباید به دنبال تغییرات رفتاری در دانش آموزان باشیم. در ان مرحله ما تنها می توانیم میزان معلومات و دانش و نگرش آنان را بررسی کنیم (۲).

همانطور که در یافته ها مشاهده می شود سطح اطلاعات دانش آموزان از مهارت‌ها در گروه مداخله بطور معنی داری نسبت به گروه مقایسه ارتقا یافته است. که این نتیجه با نتایج تحقیق Botvin, Gainer Zollinger و Pentz همخوانی داشته همچنین مشابه نتایج تحقیقات داخلی (طارمیان - محمودی و بینا) می باشد. میانگین نمرات ارزیابی در دختران نسبت به پسران بطور معنی داری بیشتر افزایش یافته است. به عبارت دیگر به نظر می رسد که آموزش مهارت‌ها در دختران موفق تر از پسران بوده است. در مطالعه Zollinger نیز که به منظور بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌ها در کاهش میزان مصرف سیگار در مدارس راهنمایی در ایندیانا انجام شده نتیجه در دختران و پسران و همچنین در سیاه پوستان و سفید پوستان متفاوت بوده است (۳).

در توجیه این یافته می توان سه حدس زد: حدس اول در رابطه با وجود اشکالات تکنیکی در نحوه آموزش پسران می باشد که با توجه به آموزش مشترک همه معلمین در یک کارگاه و توسط یک مدرس و همچنین پیگیری و علاقمندی یکسان همه معلمین در امر آموزش این حدس چندان پررنگ نمی باشد. حدس دوم در رابطه با وضعیت تحصیلی بهتر دختران نسبت به پسران بخصوص در گروه مداخله است. همانطور که در یافته ها مشاهده کردیم بین وضعیت تحصیلی و سطح آگاهی از مهارت‌های زندگی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. می توان نتیجه گیری کرد که موفق تر بودن آموزش در دختران احتمالاً ناشی از وضعیت تحصیلی بهتر آنان می باشد. حدس سوم به نظر Geff Goodwin برمیگردد.

References

1. TACADE. Skills for the Primary School. Promoting the protection of children. UK: Salford., 1990: 1-10
۲. نوری قاسم آبادی ربابه- محمد خانی پ - برنامه آموزش مهارت های زندگی - واحد بهداشت روان و پیشگیری از سوئ مصرف مواد سازمان جهانی بهداشت - سازمان بهزیستی کشور معاونت امور فرهنگی و پیشگیری - مرداد ۱۳۷۷ - ص ۱۴-۲۲
3. Zollinger TW, Saywell RM Jr, Muegge CM, Wooldridge JS, Cummings SF, Caine VA. Impact of the life skills training curriculum on middle school students tobacco use in Marion County, Indiana, 1997-2000. Arch Surg. 1993; 3: 303-8
4. Pentz MA. Prevention of adolescent substance abuse through social skill development, NIDA Res Monogr. 1983; 47: 195-232
5. Gainer PS, Webster DW, Champion HR. A youth violence prevention program. Description and preliminary evaluation, Washington Community Violence Prevention Program, Washington Hospital Center, Washington, DC 20010; J Sch Health. 2003; 73(9); 338-46
6. Botvin GJ, Baker. E, Botvin EM, Filazzola AD, Millman RB. Prevention of alcohol misuse through the development of personal and social competence: a pilot study. J Syudy Alcohol. 1984, 45(6); 550
۷. طارمیان ف- بررسی اثر بخشی برنامه آموزش مهارت های زندگی به منظور پیشگیری از مصرف مواد مخدر در دانش آموزان دوره راهنمایی- خلاصه مقالات پنجمین همایش سراسری بهداشت روان کودکان و نوجوانان- ۱۳۸۲- ص ۳۸-۳۹
۸. محمودی ر- ایرانپور چ - حجاران م- بررسی نقش آموزش مهارت های ارتباطی و حل مسئله اجتماعی در ارتقای عزت نفس و رابطه آن با کارکردهای هوشی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال سوم دبستان شهید جاوید- خلاصه مقالات پنجمین همایش سراسری بهداشت روان کودکان و نوجوانان- ۱۳۸۲- ص ۵۳
۹. برنامه کشوری آموزش مهارت های زندگی به دانش آموزان - اداره سلامت روان دفتر سلامت جوانان و مدارس
10. Goodwin J, Final report of the public school students, out of school time study to measure the impact of the Idaho 4-H Program Available from: <http://www.agls.uidaho/4-h/impact study.doc>